

متن پرسش

سلام و عرض ادب: چند ماهی می‌شود که به‌عنوان اولین تجربه کار در صنعت، وارد ستاد مدیریت یک کارخانه شده‌ام. با توجه به شرایط خانوادگی، از کارمندی نفرت دارم اما خب چه می‌شود کرد؟ کارها در این عصر، مرکب شده‌اند و نیاز به بروکر و سازمان نیازی ضروری است. شرکت متشکل از دو بخش کارگاهی و اداری است. من بیشتر با مدیریت سازمان بخش اداری آن سر و کار دارم. آن اوایل که ورود کرده بودم، نوع و جنس ارتباطات کارمندان با یکدیگر برایم جدید بود. روزمرگی کارمندی در آنها مشهود بود. با این نوع زندگی کردن، دین هم نهایتاً به امری غیر ضروری تبدیل می‌شود که دیگر سامان دهنده همه امورات زندگی نخواهد بود. در این نوع زندگی، انسان باید ابعادی را رعایت کند که موجب بقای او در سازمان خواهد شد. و این بیشتر به زندگی در جنگل شبیه است تا زندگی انسان در مقام خلیفه‌الهی. اینجا می‌شود بلای خانمان سوز نئولیبرالیسم را به چشم دید و آموزه‌هایش را که در جان مدیر این واحد صنعتی نهادینه شده را شنید. اول فکر می‌کردم خب حتماً با طبیعت سازمان اداری بیگانه هستم هنوز و درست می‌شود. اما با توجه به سمتی که در سازمان دارم، کم‌کم کارمندان هم در رفتارها و حرف‌هایشان به این موضوع اشاره می‌کردند. کم‌کم زیرآب‌زنی‌ها و بحث و جدل‌ها را هم دیدم. اینجا واقعا می‌شود اراده معطوف به قدرت را دید. تقریباً کارمندان همه به استعفا فکر می‌کنند. چون در چنین ساختاری آنچنان فشار روانی بالاست، که حتی یک ساعت کمتر در این اتمسفر بودن، برایشان بهتر است به گمان خودشان. اگر چه این را علناً بیان نمی‌کنند. دیگر خودتان حتماً تا تهش را خوانده‌اید و صحبت را خلاصه می‌کنم. تقریباً راهی برای اصلاح نیست. چون اصلاح نیازمند نیروهای جدید است تا گفتمان جدیدی در سازمان حکمفرما باشد. و این در حال حاضر امکان‌پذیر نیست. حالا مانده‌ام که چه کنم؟ هجرت کنم از آن سازمان؟ یا اینکه بمانم و سیاه شدن قلبم را ببینم؟ چه خوب می‌شد اگر من باب مدیریت اسلامی و سازمان اسلامی نیز مطالبی را ارائه می‌کردید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این‌که اگر برای ادامه کار شرایط بهتری فراهم شود و هجرت صورت گیرد؛ کار خوبی است، ولی هنر ما آن است که در وسعت انسانی خود بتوانیم در همین میدان‌ها در مواجهه با همین افراد با سبک و سیره انسانی خود به نحوی در عین هرچه بیشتر رعایت اخلاق برای خود کمکی به همین افراد داشته باشیم. به هر حال شرایط، شرایطی است که انسان‌ها با ذهنیات خود هرکجا که باشند فکر می‌کنند در جای دیگر باید خود را دنبال کنند. در مورد مدیریت اسلامی نامه

حضرت علی «علیه السلام» به مالک اشتر ظرائف خاص خود را دارد که می‌توان به آن رجوع کرد. ولی باز همچنان می‌توان به مدیریت رهبر معظم انقلاب در میدان طوفانی که در مقابل خود دارند؛ نظر کرد که چگونه نه تنها گوهر انسانی خود را به فعلیت می‌آورند، بلکه متذکر انسانیت انسان‌هایی می‌شوند که در عین عدم رعایت حجاب کامل، این‌چنین برای شخص ایشان ارزش و احترام قائل‌اند و نه تنها مردم ایران بلکه مردم عراق. <https://eitaa.com/taghaviniaa/۵۵۰۳> موفق باشید